

عناصر هویت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران؛ نمونه کاوی سند «مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان»

علی کریمی مله^۱ - میثم بلباسی^۲ - سید محمد جواد قربی^۳

دریافت: ۱۳۹۶/۲/۲ - پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۱۵

چکیده

این نوشتار به دنبال پاسخ به این سؤال است که هویت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سند «مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان» دارای چه لایه‌ها و عناصری است؟ دستاوردهای این تحقیق نشان از این دارد که هویت فرهنگی در سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان شامل دو لایه هویت فرهنگی اسلامی که دربرگیرنده عناصری چون معنویت و توحید، اسلام و مذهب تشیع و معارف قرآنی، هم‌گرایی فرهنگی، دفع ظلم و ظلم‌ستیزی، ولایت‌مداری، اخلاق و آداب و سنت‌های حسنه، عمل به سیره پیامبر (ص)، عدالت‌طلبی بی‌پایان، انتظار و رسالت تاریخی ایرانیان است و لایه هویت فرهنگی ایرانی که شامل عناصری چون میراث فرهنگی و آیین‌ها، معماری ایرانی، عالمان و علم‌دوستی، تاریخ ایران، دفاع از سرزمین، حافظه و خاطره جمعی، تمدن ایرانی، زبان و خط پارسی، سرزمین ایران، اقوام و گروه‌های ایرانی با خرده‌فرهنگ‌های زیبا می‌شود که می‌تواند هویت‌بخشی و همبستگی فرهنگی، معنوی و ملی در میان ملت ایران را به دنبال داشته باشد. همچنین باید خاطرنشان کرد که در این سند، به هویت مدرن و متجدد ایرانیان هیچ اشاره‌ای نشده است. برای پاسخ به سؤال از روش تحلیل محتوای کیفی و کمی بهره گرفته می‌شود.

واژگان کلیدی: سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان، هویت فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران، هویت اسلامی، هویت ایرانی

۱. استاد علوم سیاسی دانشگاه مازندران

۲. دانشجوی دکتری مطالعات انقلاب اسلامی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام پژوهشکده امام خمینی (ره)

Akm10@umz.ac.ir

Belbasi.Meisam@ut.ac.ir

Ghorbi68@yahoo.com

مقدمه

یکی از مهم‌ترین هویت‌های جمعی، هویت ملی است که علاوه بر مختصات فیزیکی و دستاوردهای مادی یک ملت، بیشتر به برخورداری از یک فرهنگ و روح و احساس مشترک اشاره دارد و نقش مهمی در ترسیم هندسه هویت ملی داراست (کریمی، ۱۳۹۰: ۲۶). هویت، حاصل دیالکتیک خود و دیگری بوده که در میان طیفی از شبکه معنایی ذهن و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی در حرکتی رفت‌وبرگشتی قرار می‌گیرد و بر این مبنای نسبتی میان دو سر طیف دست می‌یابد؛ نسبتی که ثابت نبوده و هر آن ممکن است تغییر کند؛ تغییری که نه تنها از خود بلکه از دیگری نیز ناشی می‌شود. پیوند میان فرهنگ و هویت نیز متأثر از همین رابطه دیالکتیکی است تا آنجا که اغلب صاحب‌نظران برای فرهنگ به واسطه نقش ممتاز آن در نسبت میان خود و دیگری، شأن مستقلی در هویت قائل شده و هویت را نیز پدیده‌ای فرهنگی قلمداد می‌کنند (آشنا و روحانی، ۱۳۸۹: ۱۶۱-۱۵۸). فرهنگ و هویت برای جمهوری اسلامی ایران، راهبردی است؛ زیرا اساس شکل‌گیری جمهوری اسلامی با جهت‌گیری هویت فرهنگی است (حسینی‌شحنه، ۱۳۹۰: ۲۲۶)؛ لذا بازیابی و حفظ هویت فرهنگی، یکی از آرمان‌های اصلی انقلاب اسلامی بود که در جهت هویت‌خواهی مردم ایران و بازگشت به سوی هویت اصیل اسلامی - ایرانی صورت گرفت. در حوزه هویت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران می‌توان به یک سند بخشی بسیار بااهمیت در این حوزه با عنوان «سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان» اشاره کرد. از این رو، این مقاله در نظر دارد تا به این سؤال پاسخ دهد که هویت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سند «مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان» چگونه ترسیم شده است و دارای چه لایه‌هایی است؟ و این لایه‌ها شامل چه عناصر و مؤلفه‌هایی است؟ در جایگاه فرضیه این پژوهش، می‌توان گفت که به نظر می‌رسد هویت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سند «مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان» به عنوان یک سند بخشی بااهمیت، ترکیبی از دو لایه هویت فرهنگی اسلامی و هویت فرهنگی ایرانی است و دارای عناصر و مؤلفه‌های مختلفی است که در آن «لایه هویت فرهنگی اسلامی» از برجستگی بیشتری برخوردار است.

روش پژوهش و تکنیک گردآوری اطلاعات

این پژوهش بر اساس هدف، کاربردی و توسعه‌ای و بر اساس ماهیت و روش، اسنادی و

تحلیلی است. همچنین برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، از روش تحلیل محتوای^۱ کیفی و کمی بهره گرفته می‌شود که عبارت است از بررسی کیفیت محتویات اعلامیه‌ها و تبلیغات و گزارش‌های منابع مختلف. در این روش، بیشتر بر روی لغات و اصطلاحات به کار برده شده توجه می‌شود و هدف محقق یا متخصص، پی بردن به تغییرات خط‌مشی‌های سیاسی به وسیله مقایسه کلمات و اصطلاحات قبلی با کلمات و اصطلاحات است (طاهری، ۱۳۹۰: ۱۷۳-۱۷۰). فنون و تکنیک‌های جمع‌آوری اطلاعات نیز با استفاده از روش ترکیبی است؛ یعنی از منابع کتابخانه‌ای، اسناد و مقالات معتبر تخصصی استفاده می‌شود. برای تجزیه و تحلیل سند، از واحد تحلیل «کلمه» و «عبارت» بهره گرفته می‌شود و بعد از شناسایی مؤلفه‌های هویتی در سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان براساس چارچوب مفهومی، تشریح آن‌ها براساس ارتباط موضوعی بین بندهای مختلف این سند انجام می‌شود.

پیشینه پژوهش

با توجه به اینکه سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان، مدت زمان زیادی است که منتشر شده و در دسترس عموم قرار دارد، به نظر می‌رسد چندان توجه مجامع دانشگاهی و تحقیقات فرهنگی را جلب نکرده است. سیدمحمدجواد قربی و منصور حیدری (۱۳۹۵) در مقاله‌ای مشترک با عنوان «مؤلفه‌های قدرت نرم ایران در سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان» به بررسی منابع قدرت نرم در این سند پرداخته‌اند. یافته‌های مقاله نشان می‌دهند که ارزش‌های ملی و ارزش‌های دینی، منابع قدرت نرم ایران هستند که با ایجاد جذابیت و همبستگی و پیوند اجتماعی، نزدیکی ملت‌ها به آرمان‌های جامعه ایرانی، تولید اعتبار، استحکام ساختار قدرت و ... قدرت نرم ایران را ارتقا می‌دهند. کتاب «هویت ملی ایرانیان و انقلاب اسلامی» یکی از پژوهش‌های مرتبط با سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان است که زیر نظر موسی نجفی به نگارش درآمده است. در این کتاب به موضوعاتی نظیر تکوین و تکون هویت ملی ایرانیان، هویت از نظر فرهنگی و فلسفی، هویت ایرانیان و انقلاب اسلامی، تشیع و شکل‌گیری ملیت ایرانی، هویت ایرانیان بر پایه ولایت در افق مهدویت، تمدن‌سازی ایرانیان، روح معنویت، تعبد و توحید به مثابه عنصری جدایی‌ناپذیر از هویت ملی ایرانیان و ... پرداخته شده است (نجفی، ۱۳۸۹). در این کتاب سعی شده است تا هریک از بندهای سند هویت ملی ایرانیان به صورت مستقل مذاقه و کنکاش علمی شوند. سید مجید

امامی در مقاله خود با عنوان «از جامعه‌شناسی تاریخی ایران تا نظریه سیاستی پیشرفت» با رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی به بررسی «هویت»، «تاریخ» و «تمدن» در ایران می‌پردازد. در این مقاله نیز «روح معنویت، تعبد، توحید»، «اسلام اصیل»، «ولایت‌مداری»، «سرزمین و موطن»، «زبان و خط پارسی»، «تمدن تاریخی» و «رسالت تاریخی و موعودگرایی» تشریح و واکاوی شده است که مبتنی بر سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان است (امامی، ۱۳۹۲: ۳). به غیر از این سه اثر، پژوهش خاصی صورت نگرفته است که پیرامون سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان تدوین شده باشد.

چارچوب نظری پژوهش

مفهوم‌شناسی؛ هویت / هویت فرهنگی

هویت در نحوه پاسخ‌دهی به سؤال «من کیستم؟» مشخص می‌شود که در پاسخ به آن «من هستم» بروز می‌یابد. هویت به این معنی است که من خود را چگونه می‌بینم و دیگران را چگونه می‌بینم؛ پس هویت شامل دو بُعد درونی و بیرونی است (روحانی، ۱۳۹۰: ۱۲). هویت امری است که همواره در ارتباط با افراد دیگر در جامعه شکل می‌گیرد؛ به طوری که گفته‌اند بنیان هویت، شناسایی شباهت‌ها با گروهی از افراد و احساس تفاوت با دیگران است (Woodward, 2000: 34). اسمیت بر این باور است که هویت‌ها از طریق تجربیات و حافظه‌ها و اسطوره‌های مشترک و در رابطه با تجربیات و حافظه‌ها و اسطوره‌های هویت‌های جمعی دیگر، رشد می‌کنند (Smith, 1999: 247).

از هویت می‌توان به عنوان پسوندهای پدید‌هایی چون فرهنگ، قومیت، ملیت، دین، محل سکونت، رشته آموزشی، ایل، طایفه و محله و نظایر آن استفاده کرد. در این میان، هویت فرهنگی، احساس هویت یک گروه یا فردی است که تحت نفوذ یک فرهنگ باشد و به آن تعلق پیدا کند. آنتادیوپ، هویت فرهنگی جامعه را مبتنی بر سه عامل تاریخی و زبانی و روان‌شناسی می‌داند. به نظر او غنا و تکامل هویت فرهنگی به وجود هر سه عامل در یک ملت بستگی دارد (احمدی، ۱۳۹۰: ۶۵-۶۰). هویت فرهنگی، مجموعه ارزش‌ها، باورها، سمبل‌ها و ... است که سبب شناخته شدن و متمایز کردن فرد و جامعه از دیگر افراد و جوامع می‌شود (جوادی‌یگانه و عزیزی، ۱۳۸۷: ۱۹۰). فردریک اریکسون معتقد است: «هویت فرهنگی عبارت است از مقید بودن به آداب و رسوم، سنت‌ها و ارزش‌های کهن و متداول و جدید جامعه که باعث شکل‌گیری غرور ملی می‌شود، درحالی که فرد دارای استقلال است» (Erikson, 1987: 11-24). اساساً جامعه از طریق جست‌وجوی هویت و فرهنگ بازشناخته می‌شود، شخصیت می‌گیرد و درک معنای جدید از

حقیقت را باز می‌نماید و مفهوم هویت فرهنگی را خلق می‌کند. هویت فرهنگی، نمادهای آشکار و پنهانی است که مردمان سعی می‌کنند با حفظ و نمایاندن آن‌ها خود را از سایر جوامع بازشناسند (کریمیان و احمدوند، ۱۳۹۱: ۵۲-۵۱).

ابتناء نظری؛ پارادایم نمادگرایی قومی و هویت فرهنگی

یکی از پارادایم‌های تبیین هویت و ملیت، پارادایم نمادگرایی قومی^۱ است. این پارادایم بر عناصر ذهنی در استمرار هویت‌ها تأکید می‌کند. این نظریه‌ها بر رابطه متقابل نخبگان و مردم، تحلیل درازمدت تاریخی، اشتیاق دلبستگی‌های جمعی، هم‌زیستی هویت‌های متفاوت و دگرگونی هویت‌های فرهنگی و جمعی توجه دارند (حاجیان، ۱۳۸۸: ۷۰). این پارادایم معتقد است میان اعصار سنتی و مدرن رابطه برقرار است و ملت‌های مدرن بر پایه هویت فرهنگی جمعی نمود یافته‌اند و از مهم‌ترین اشکال هویت فرهنگی جمعی، ریشه قومی ملت‌ها است. از سوی دیگر، نمادپردازان هویت قومی، بیش از آنکه بر عناصر عینی در پیدایش ملت‌ها و هویت ملی تأکید بورزند، بر عناصر ذهنی در تداوم و استمرار اقوام و شکل‌گیری ملت‌ها اصرار دارند (گودرزی، ۱۳۸۷: ۶۱-۶۰). نمادگرایی قومی، اعتقاد دارد که ملت، ساختی تاریخی دارد و در اسطوره‌ها و نمادها و فرهنگ تجسم پیدا می‌کند (Hutchinson, 2001: 76). هویت به معنی کیستی یک فرد، گروه، جامعه و ملت و فرآیند ساخته شدن معنا، بر پایه برخی ویژگی‌های فرهنگی تعریف می‌شود که بر دیگر منابع معنا برتری دارند (Castells, 1997: 7). اسمیت، فرهنگ را هم به‌عنوان مخزن و میراث بین نسلی و هم به‌عنوان مجموعه‌های شکل‌دهنده فعالی از مفاهیم و تصاویر تعریف می‌کند که باعث یکپارچه شدن گروهی می‌شوند (Smith, 1998: 187). هویت ملی، همانند سایر هویت‌ها، به استفاده از منابع تاریخ و زبان و فرهنگ در فرآیند شدگی به جای بودگی اشاره می‌کند: به جای آنکه ببینیم که هستیم یا از کجا آمدیم، بایستی ببینیم که چه می‌شویم (Hall, 1996: 4).

هویت فرهنگی بر پایه دو دسته عوامل عینی، مانند میراث تاریخی، منشأ قومی، سنت‌ها، زبان و دین و عوامل ذهنی، عواملی که در هوشیاری اعضای یک جامعه و ملت ثبت می‌شوند، قرار دارد (Ladmiral & Lipiansky, 1989: 9)؛ بنابراین، فرد بایستی در موقعیت‌های اجتماعی و هویت‌های فرهنگی ارائه شده توسط جامعه سرمایه‌گذاری کند. از طریق فرایند هم‌ذات‌پنداری،

می‌توانیم احساسات ذهنی خود را با فضاهاى عینی‌ای، هماهنگ کنیم که در جهان فرهنگی و اجتماعی، اشغال کرده‌ایم (Hall, 1992: 276)؛ بنابراین، هم‌ذات‌پنداری، داده‌های ذهنی را به ساختار گره می‌زند. وقتی چنین اتفاقی افتاد، هویت اجتماعی، روش‌هایی را برای یکی شدن با دیگرانی که موقعیت یکسانی با ما دارند و روش‌هایی را برای متفاوت شدن با دیگرانی که موقعیت ما را ندارند، در اختیار قرار می‌دهد (Woodward, 1997: 2). عنصر سازنده اصلی که باعث پایا شدن ملت یا هر نوع جامعه‌ای می‌شود، ایده‌ای است که از آن در ذهن داریم و مفاهیمی هستند که به آن ربط می‌دهیم و احساسی است که از هم‌جامعه بودن و هم‌ملت بودن با دیگران در درون خود می‌پرورانیم (Hall, 1998: 182). راس پول بر این باور است که به منظور درک واژه ملت، بایستی از مفهوم فرهنگ استفاده نماییم. ملت، موضوع فرهنگی خاصی است و ابزارهای فرهنگی، به ما امکان می‌دهند تا تشخیص بدهیم که روش زندگی ما وجود خارجی عینی دارد (Poole, 1999: 12). آنتونی اسمیت معتقد است که اجتماعات فرهنگی در مقابل برخی از هویت‌های جمعی مانند طبقات، خیلی باثبات‌تر هستند؛ زیرا عناصر فرهنگی اصلی که از آنها تشکیل می‌شوند، باثبات‌تر هستند (اسمیت، ۱۳۸۳: ۳۱).

تناسب سند «مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان» با اسناد فرادستی نظام ج.ا.ایران

سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان دارای یک مقدمه و هفت بند است که در هر بند به یک مؤلفه فرهنگی اشاره نموده است. مؤلفه‌هایی نظیر ولایت‌مداری، پیشینه تاریخی، فرهنگ انتظار و مهدویت، آموزه‌ها و معارف اسلامی، معنویت و توحید، و سرزمین فرهنگی متحد، از رئوس کلی این سند فرهنگی می‌باشند (قربی و منصوری، ۱۳۹۵: ۴۷). این سند نسبت به سایر اسناد فرادستی جمهوری اسلامی ایران، سندی بخشی محسوب شده است و مکمل جنبه‌های هویتی و فرهنگی سایر اسناد است و هیچ‌گونه تضاد، تعارض و زاویه‌ای با اسناد فرادستی ندارد. برخی از مؤلفه‌های این سند با قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران هم‌پوشانی دارد و صرفاً تبیین و توصیف بیشتری نسبت به قوانین ملی ایران در این سند مشاهده می‌شود. به‌عنوان نمونه، موضوع ولایت‌مداری، مهدویت، توحید و... در فصل اول و دوم قانون اساسی تبلور یافته است که توصیف و تشریح آنها در سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان آمده است.

جدول ۱. بررسی مقایسه‌ای مضامین مشترک در سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان با قانون اساسی و سند چشم‌انداز

اسناد	اصول و مضامین مشترک و مشابه
سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان	اصول اصلی سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان عبارتند از: روح معنویت، تعبد و توحید، اسلام مبتنی بر معارف قرآن، ولایت‌مداری، سرزمین ایران، زبان و خط پارسی، تمدن و تاریخ ایران؛ مهدویت و رسالت تاریخی.
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	هم‌پوشانی بندهای هفت‌گانه سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان با مقدمه قانون اساسی و فصول اول، دوم، سوم و دهم قانون اساسی: اسلام‌محوری (اصول یکم تا پنجم، یازده، دوازده و...); انسان‌گرایی (مقدمه قانون اساسی، اصل پنجاه و ششم و اصل یکصد و پنجاه چهارم); عدالت‌طلبی (مقدمه و اصول یکم و دوم و بندهای نه و دوازده اصل سوم); ایران‌دوستی (مقدمه و اصول یکم، دوم، سوم، چهل و سوم، نهم و هفتاد و هشتم); تکثر‌گرایی (اصول دوازده و پانزده و نوزده); رسالت فراگیر (اصول پنج و شش و یکصد و پنجاه و چهارم).
سند چشم‌انداز بیست‌ساله ج.ا.ایران	هم‌پوشانی بندهای هفت‌گانه سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان با بندهای اول، دوم، سوم، پنجم، ششم و هفتم سند چشم‌انداز بیست‌ساله: اتکال به قدرت لایزال الهی در پرتو ایمان، هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام، متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها، اصول عزت و حکمت و مصلحت، جامعه اخلاقی، هم‌گرایی اسلامی و منطقه‌ای، متناسب با مقتضیات فرهنگی و تاریخی خود، فرصت‌های برابر، برخوردار از دانش پیشرفته و توانا در تولید علم و فناوری؛ امن و مستقل و مقتدر، پیوستگی مردم و حکومت، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی، شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن.

سند «مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان» و گفتمان عدالت‌گرای ارزش‌محور (اصول‌گرایی) سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان یکی از سند‌های فرهنگی ایران محسوب می‌شود که در جلسه ۴۸۷ شورای فرهنگ عمومی کشور مورخ ۲۱ اسفندماه ۱۳۸۶ در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد به تصویب رسیده و متأثر از گفتمان سیاسی حاکم «عدالت‌گرایی

اصول محور» یا «ایدئولوژیک‌ارزش محور» نگاشته شده است. براساس این گفتمان، جمهوری اسلامی یک دولت دینی با هویت اسلامی است که در قلمرو سرزمینی ایران تشکیل شده است که مهم‌ترین عنصر قوام‌بخشی این نظام سیاسی که مشروعیت خود را از اسلام کسب می‌کند، اسلامی بودن آن است. پس مسئولیت این دولت اسلامی حفظ اسلام و تعهد و عمل به آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی است. در گفتمان اصولگرایی، مرزهای ایدئولوژیک و عقیدتی جایگزین مرزهای جغرافیایی می‌شود و مکتب‌گرایی جای ملت‌گرایی را می‌گیرد. عنصر هویت‌سازی که «خود» و «دیگر» را تعریف می‌کند، دین مبین اسلام است؛ بنابراین، منبع اولیه هویت ایرانی «دین و آموزه‌های اسلام» است. مهم‌ترین لایه هویت ملی ایران و مهم‌ترین مرجع وفاداری مردم ایران، اسلام شیعی است. البته، این به معنای نفی عناصر ایرانی در هویت ملی ایرانیان نیست بلکه حاکی از غلبه مؤلفه‌های اسلامی بر مؤلفه‌های ایرانی است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۷۷-۷۴).

این گفتمان از حیث نظری به‌طور عمده متکی بر اندیشه‌های سنتی است و با هرگونه التقاط با اندیشه‌های غربی مخالف است. در این گفتمان، از میان سه لایه اسلام و انقلاب اسلامی و ایرانیت و تجدد، لایه غالب هویت‌سازی که خود و دیگری را تعریف می‌کند، «اسلام» است که بر اولویت دین در زندگی انسان تأکید دارد که درنهایت، انسان را به رستگاری می‌رساند. این گفتمان با سکولاریسم و پلورالیسم مخالف است و این دو را انحراف از اصل دین می‌داند. به‌طورکلی، گفتمان اصول‌گرایی، مبنای هویت را بر عناصر اسلامی می‌داند و نهادهای مدرن را دوری از اصل هویتی خویش می‌داند؛ اما به جای نگاه نوستالژیک و تحسّرآمیز نسبت به گذشته و مدافعه‌گرایانه، مبارزه‌گر است و بر مبارزه و جهاد اصرار می‌ورزد. این گفتمان با طرح مفاهیمی چون تهاجم فرهنگی و ناتوی فرهنگی، به غرب‌ستیزی می‌پردازد؛ زیرا بر این باور است که هویت، شخصیت، فرهنگ و ارزش‌های ملت‌ها از جمله ایران در معرض هجوم قدرت‌های غربی قرار گرفته است؛ لذا برای مقابله با این تهاجم، می‌بایست یک برنامه جامع فرهنگی پیش‌بینی و تدوین گردد (افرا و فیض‌آبادی، ۱۳۹۲: ۲۵-۲۴). در این چارچوب، در گفتمان عدالت‌گرای ارزش‌محور، هویت جمهوری اسلامی ایران حاصل برآیند عنصر «هویت اسلام»، «انقلاب اسلامی» و «ایران» است و این عناصر اهمیت و اولویت بیشتری نسبت به «ایرانیت» در تکوین هویت جمهوری اسلامی ایران ایفا می‌کنند (عیوضی، ۱۳۸۷: ۲۲۹). البته باید به این نکته نیز اشاره کرد که هویت متجدد جایگاهی در این گفتمان ندارد.

یافته‌های پژوهش

کلمه «هویت» در کل سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان، «۲۹ بار» و کلمه «فرهنگ» نیز در متن سند مزبور «۱۶ بار» به صورت مجزا و ترکیبی آمده است. همچنین در مقدمه این سند در تعریف از «هویت» چنین آمده است: «هویت؛ تلقی از «خود» یا خودآگاهی فردی و جمعی است و آنگاه که در برابر «دیگری» و دیگران ترسیم می‌شود، ماهیت یا وجه تمایز «ما» از «دیگران» است و معرف مجموعه عناصر و ویژگی‌هایی است که «دیگران» فاقد و «ما» واجد آن هستیم».

جدول ۲. تحلیل کمی واژگان کلیدی سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان

ردیف	واژگان کلیدی	تکرار واژه
۱	هویت	۲۹ بار
۲	فرهنگ	۱۶ بار
۳	اسلام و اسلامی	۲۹ بار
۴	ایران و ایرانی	۵۲ بار

همان‌طور که از تکرار واژگان کلیدی سند «مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان» پیداست، لایه‌های هویت فرهنگی ملت ایران در سند مزبور شامل دو لایه است: لایه‌ای از هویت فرهنگی اسلامی و لایه‌ای از هویت فرهنگی ایرانی.

عناصر هویت فرهنگی اسلامی

همگرایی فرهنگی با جهان اسلام

در مقدمه سند مزبور تأکید شده است «هویت ملی در نسبتی وثیق با ملت‌های هم‌جوار و نیز هویت‌های فراملی قوام‌یافته و اشتراکات فرهنگی ایرانیان با مردم کشورهای همسایه و نیز کشورهای جهان اسلام فرصت‌های هویتی مغتنمی برای اعتلا و هم‌گرایی فرهنگی فراهم آورده است» (سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان، ۱۳۸۶: مقدمه)؛ از این‌رو، میان هویت فرهنگی و هم‌گرایی رابطه معناداری وجود دارد. در جهان اسلام، ناسیونالیسم بسترهای واگرایی را فراهم آورده و در نقطه مقابل، هویت مشترک فرهنگی عامل هم‌گرایی جهان اسلام است؛ به گونه‌ای که هویت فرهنگی مشترک نیز وجه غالب تعاملات در جهان اسلام است و بسترهای یک‌سازه

منطقه‌ای برای هم‌گرایی را فراهم می‌آورد (قهرمان‌پور، ۱۳۸۸: ۱۲۳). مهم‌ترین عوامل هم‌گرایی بین ایران و کشورهای جهان اسلام را می‌توان تحت تأثیر مؤلفه‌هایی چون زبان مشترک (کامنوا، ۱۳۸۱: ۹۲-۸۹)، نزدیکی جغرافیایی و همسایگی این کشورها، دین مشترک، موقعیت مرکزی در جهان اسلام، وجود مسائل مشترک در جهان اسلام، مؤلفه‌های سیاسی و نظایر آن دانست. انقلاب اسلامی با توجه به دارا بودن جاذبه‌های ایدئولوژیک و هویت‌بخشی همچون حمایت از ملت‌های محروم، حمایت از نهضت‌های دینی و داشتن آموزه وحدت‌گرایی با توجه به گسترش ارزش‌های اسلامی-انسانی به کشورهای تحت ستم و ملت‌های مسلمان و از طریق برگزاری جشنواره‌های فرهنگی، به‌کارگیری ابزارهای نوین ارتباطی، آموزش زبان فارسی، چندجانبه‌گرایی فرهنگی، توسعه صنعت گردشگری و تأسیس نهادهایی همچون مرکز جهانی علوم اسلامی و مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به منظور تربیت نیروهای متخصص اسلامی و نزدیک ساختن دیدگاه‌های نخبگان فکری و سیاسی جهان اسلام در مسئله هم‌گرایی فرهنگی ملت‌های مسلمان، توانسته است فرصت‌های بسیاری به وجود آورد (حقی، ۱۳۸۶: ۹۶-۹۴) که این امر ناشی از هویت فرهنگی اسلامی ایرانیان است. سند، فقط به موضوع هم‌گرایی فرهنگی تأکید دارد و هیچ سیاست فرهنگی و راهبردی در راستای تقویت هم‌گرایی با کشورهای همسایه ارائه نداده است و درعین حال، مراد خویش از عبارت «هم‌گرایی فرهنگی» را مشخص نکرده است و صرفاً عبارتی کلی را مطرح ساخته است. به نظر می‌رسد یکی از مجهولات سند مزبور در حوزه هم‌گرایی با سایر دولت‌ها در محیط بین‌الملل، مشخص نبودن ملاک هم‌گرایی با سایر دولت‌ها و نحوه این ارتباط فرهنگی است. در پایان، در خصوص کارگزار و نهاد متولی هم‌گرایی فرهنگی نیز هیچ اشاره‌ای نشده است.

روح معنویت‌گرایی و توحیدباوری

بند اول سند بر «روح معنویت، تعبد و توحید» (سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان، ۱۳۸۶: بند اول) تأکید کرده است. امام خمینی (ره) «معنویت» را چنین تعریف فرموده‌اند: «معنویت، مجموعه صفات و اعمالی است که حال و شور و جاذبه قوی و شدید و درعین حال، منطقی و صحیح را در انسان به وجود می‌آورد تا او را در سیر به سوی خدای یگانه و محبوب عالم، به‌طور اعجاب‌آوری پیش ببرد» (خمینی، ۱۳۶۹: ج ۱۶: ۸). معنویت بر دو پایه اصلی معرفت و ایمان استوار است. یک فرد یا جامعه معنوی، در واقع، یک فرد یا جامعه ایمانی است. ایمان از سه عنصر مفهومی و عملیاتی

ذیل تشکیل می‌شود: اعتقاد داشتن به وجود خداوند و یقین به تأثیرگذاری آن کانون بر همه امور و التزام به احکام و فرامین آن قدرت مطلق و برتر در عمل (جوانی، ۱۳۸۷: ۴۹). محور فرهنگ دینی، «توحید» است که مهم‌ترین اصل اعتقادی اسلام، به معنای اعتقاد به یگانگی خداوند در ذات، صفات، افعال و عمل کردن به مقتضای این اعتقاد است که نه تنها در حوزه فکر و اعتقاد، بلکه در عمل و رفتار اخلاقی و اجتماعی انسان نقش بی‌بدیلی دارد؛ بنابراین نظام اجتماعی اسلام بر محوریت توحید شکل می‌گیرد و تحقق می‌یابد و مرکز هویتی مسلمانان را شکل می‌دهد (بی‌نام، ۱۳۸۹: ۱۴). آنچه ایرانیان از اسلام برگرفتند، همانا احیای «یکناپرستی» و دیگری تأکید بر «عدالت و برابری در قبال شریعت» بود که بر همه امتیازات خونی، نژادی، قومی، محلی‌گرایی و موروثی مهر باطل گذاشت (رجایی، ۱۳۸۶: ۳۱). در بخش معنویت‌گرایی و توحیدباوری به‌مثابه یکی از مؤلفه‌های هویت فرهنگی ایرانیان، بیشتر به موضوعات تاریخی بحث، در سند اشاره شده است و ارتباط و نحوه تأثیر هویت دینی و اسلامی بر تقویت هویت فرهنگی ایرانیان، اشاره نشده است.

مذهب تشیع و معارف قرآنی

این سند، جامعه ایرانی را «یک ملت مذهبی، یک ملت موحد و یک ملت مؤمن» (سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان، ۱۳۸۶: مقدمه) معرفی می‌کند و بر مؤلفه «تعالیم مقدس اسلام و تشیع» (سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان، ۱۳۸۶: بند ۵) تأکید دارد. با این اوصاف، یکی از منابع شکل‌دهنده رفتارها و باورهای ملی، آموزه‌های دینی هستند. دین اسلام مهم‌ترین مؤلفه و بنیاد هویت ملی ایرانی است که برای یافتن مقوم اصلی ملیت و هویت ایرانی و ملی، باید بر آن تکیه کرد (بلباسی و اسفندیار، ۱۳۹۲: ۱۱۰-۱۰۸). در دوران معاصر نیز انقلاب اسلامی با تکیه بر هویت دینی به پیروزی رسید و می‌توان گفت که استمرار مؤلفه دیانت در هویت فرهنگی ایرانیان غیرقابل انکار است (آشنا و روحانی، ۱۳۸۹: ۱۷۱)؛ لذا یکی از مهم‌ترین لایه‌های هویت فرهنگی و ملی ایرانیان، لایه هویت اسلامی است. شهید مطهری می‌گوید: «حقیقت این است که علت تشیع ایرانیان و علت مسلمان شدن‌شان یک چیز است: ایرانی روح خود را با اسلام سازگار دید و گم‌گشته خود را در اسلام یافت» (مطهری، ۱۳۵۷: ۱۲۰). این نکته مهم است که فرهنگ اسلامی، فرهنگی مبتنی بر فطرت، قرآن و عترت، ایمان‌گرا، اخلاق‌محور، خردگرا، جهانی، تمدن‌ساز، پویا، پاسخ‌گوی مقتضیات و نیازهای زمانه، بدعت‌ستیز و خرافه‌زدا است. هویت اسلامی دارای

معارف و تعالیمی است که برگرفته از قرآن و سنت است و با وقوف بر آن‌ها می‌توان به ابعاد آن پی برد. این معارف و تعالیم شاخص‌هایی دارد و این شاخص‌ها، اعتقادی، اخلاقی و رفتاری است (کریمی و بلباسی، ۱۳۹۳: ۱۰۰) و به بخشی از هویت فرهنگی اسلامی ایرانیان تبدیل شده‌اند.

فهم و عمل به سیره پیامبر (ص) و خاندان وحی

در بند سوم سند مؤلفه‌های هویت ملی تأکید شده است که ایرانیان فارغ از علایق قومی و نژادی، علاقه و ارادت عمیقی نسبت به خاندان وحی پیدا کردند (سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان، ۱۳۸۶: بند ۲)؛ اما ذکر نشده است که این مؤلفه چگونه در هویت جمعی ایرانیان بازتاب یافته است و نتیجه چنین رفتاری در قدرتمندی هویت ملی ایرانیان چه بوده است. به هر روی، توجه ایرانیان به خاندان رسالت زیاد بوده و تشیع در میان ایرانیان نفوذ زیادی یافت؛ یعنی ایرانیان روح اسلام و معنای اسلام را در نزد خاندان رسالت یافتند (مطهری، ۱۳۵۷: ۱۲۱). شدت علاقه ایرانیان به حدی بود که حتی در سفرنامه وامبری در خصوص مشارکت مردم در مراسم عاشورای حسینی، چنین نوشته شده: «در طول راهی که به کاروان‌سرا ختم می‌شد پرچم‌های سیاه بزرگ و بسیاری را بر بالای چوب مشاهده کردم که نشان می‌داد شیعیان برای برپایی تعزیه و عزاداری امام حسین آماده می‌شوند. یاد مصیبت شهادت امام حسین در ایران توسط عزاداران بی‌شمار با نوحه‌سرایایی و شبیه‌سازی موسوم به تعزیه زنده نگاه داشته می‌شود» (وامبری، ۱۳۸۱: ۷۳). کمپفر نیز درباره شدت علاقه و ارادت ایرانیان به ائمه (ع) چنین نوشت: «حالت احترام و تعظیم ایرانیان برای بقاع متبرکه که حیرت‌آور است، به‌خصوص آن بناهایی که جسم اعقاب دوازده امام را در آن‌ها دفن کرده‌اند و در نتیجه، امام‌زاده می‌شوند مورد توجه خاص قرار دارند» (کمپفر، ۱۳۶۰: ۱۳۲). علاقه ایرانیان به پیامبر و اهل بیت را می‌توان در نام‌گذاری فرزندان دختر و پسر مشاهده کرد.

زیست مؤمنانه (سنت‌های حسنه)

در بخشی از سند تأکید شده است: «ابواب متعددی از اخلاق و آداب و سنت‌های حسنه فردی، خانوادگی و اجتماعی، قله‌های رفیعی از انسانیت و کرامت را به تصویر می‌کشاند که همه ایرانیان فارغ از قوم و آیین، بدان‌ها متصف و متعهدند.» (سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان، ۱۳۸۶: بند ۲). در این خصوص، باید توضیح داد که در آموزه‌های اسلامی، مکرراً به فراگیری ارزش‌های والای اسلامی در مهارت‌های زندگی اشاره شده است. در نظر امام علی (ع)، نداشتن مهارت‌های زندگی

متناسب با الگوی زیست اسلامی و سنت‌های حسنه با نابودی و جهالت ارتباط تنگاتنگی دارد (قربی و حیدری، ۱۳۹۵: ۱۶۳). زیست مؤمنانه مبتنی بر شناخت و ترویج و نهادینه کردن مکارم اخلاق و تزکیه است. در میان ایرانیان نیز رعایت اخلاق و انجام آداب و سنت‌های حسنه مانند تعاون و همکاری، تساهل و سازگاری، کمک به هم‌نوع، تواضع و فروتنی، صلح‌رحم، غیرتمندی، خوش‌رویی و حُسن خلق، صداقت و درستی اهمیت به‌سزایی دارد. پولاک در وصف مهمان‌نوازی ایرانیان نوشت: «ایرانی دوست دارد میهمانی بدهد. فرودست‌ترین نوکران نیز حاضر است تمام حقوق ماهیانه‌اش را صرف پذیرایی از دوستان کند» (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۰). اولتاریوس در رابطه با آداب برخورد ایرانیان نوشت: «ایرانی‌ها ذاتاً افرادی متواضع و فروتن هستند و نسبت به دیگران بی‌اعتنایی نشان نمی‌دهند و با خوش‌خویی و مهربانی با یکدیگر بویژه بیگانگان روبه‌رو می‌شوند و هنگام گفتگو کلمات مؤدبانه و متواضعانه‌ای بکار می‌برند» (اولتاریوس، ۱۳۸۰: ۲۸۹). تاورنیه درباره غیرتمندی مرد ایرانی می‌نویسد: «ایرانیان اگر بخواهند به‌خوبی می‌توانند شیشه‌های بلورین شفاف بسازند؛ اما آن‌ها را به‌گونه‌ای می‌سازند که زنان در اندرون خانه از پشت آن‌ها دیده نشوند... این ننگ و بدنامی بزرگی برای زن است که چهره بی‌حجابش را کسی ببیند» (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۳۸-۳۷). هرچند در این سند به‌خوبی از زیست اسلامی و ایرانی به‌عنوان یک مؤلفه هویتی یاد شده است، شاخص‌سازی مطلوبی از ابعاد و مؤلفه‌ها و حوزه‌های زیست مؤمنانه انجام نشده است.

دفع ظلم و حفظ عزت جمعی

در سند آمده است که ایرانیان با امید و اراده، مهبای رفع و دفع ظلم می‌باشند (سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان، ۱۳۸۶: بند ۲). ظلم به معنی قرار دادن چیزی در غیر جایگاه خود و اصطلاحاً تعدی و تجاوز به دیگری را گویند که نقطه مقابل عدل است (محمدی، ۱۳۸۹). در این راستا، یکی از ویژگی‌های بارز هویت اسلامی، ایستادگی در برابر مظالم و دفاع از حقوق امت اسلامی است که این موضوع در تاریخ تشیع به‌خوبی نمایان‌گر است و نمود عینی آن، انقلاب اسلامی ایران است. همچنین این مسئله در قانون اساسی، سند چشم‌انداز بیست‌ساله، سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان و سایر اسناد فرادستی نمود یافته است. پاسداشت از میهن و ارزش‌های ملی و دینی در فرهنگ اسلامی با هویت، عزت و استقلال پیوند وثیقی دارد و به تعبیری متقن، «اهل حفظ هویت خود، استقلال خود، عزت خود هستیم. هرکسی که عزت ملت ایران را بخواهد پایمال کند، ملت ایران را تحقیر کند، ملت ایران با غیرت خود، با ایمان خود این دست را قطع می‌کند» (خامنه‌ای،

۱۳۸۷/۰۸/۰۸). از آنجایی که ظلم‌ستیزی و ایستادگی در برابر ظالم یکی از فرهنگ‌های راهبردی ایرانیان است و در فرآیند انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی به‌خوبی بازتاب یافته است، لازم بود تا بخشی مجزا در این خصوص نیز در سند وجود می‌داشت و به‌صورت مبسوط‌تری به آن پرداخته می‌شد؛ زیرا اگر هویت ظلم‌ستیزی ایرانیان مخدوش شود، بخش عمده‌ای از اهداف و رسالت و منزلت جامعه ایرانی در محیط داخلی و خارجی مخدوش می‌گردد.

ولایت‌مداری و قبول حاکمیت پاکان

در بند سوم سند هویت ملی ایرانیان آمده است: «ثمره روح ولایت و کشش به‌سوی پرهیزگاران و دوست‌داران خدا، تشکیل حکومت صالحان و قبول حاکمیت پاکان بر جامعه است» (سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان، ۱۳۸۶: بند ۳). یکی از مهم‌ترین اصول هویت فرهنگی نظام شیعی ایران، اصل ولایت فقیه است که توسط امام خمینی (ره) نظریه‌پردازی و بیان شده است. در جمهوری اسلامی، ولایت نقش زیربنایی در جامعه و حکومت پیدا می‌کند و تعیین‌کننده حوزه‌های مختلف رفتار فردی و اجتماعی خواهد بود. نوع رابطه مردم با ولایت در انقلاب اسلامی، تعیین‌کننده‌ترین پارامتر در ثبات سیاسی جامعه اسلامی ایران است (سلیمی‌بنی، ۱۳۹۲: ۴۹-۵۰). در میان مردم ایران، جایگاه روحانیت از شأن و اعتبار و عزت و قداست خاصی در میان مردم ایران برخوردار است. پولاک بر این باور است که: «ملاها بین محرومین و فرودستان طرفداران بسیاری دارند، اما دولتیان از ملاها می‌ترسند؛ زیرا می‌توانند قیام و بلوا برپا کنند.» (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۲۵). گروه چنین می‌نویسد: «در ایران این روحانیت است که افکار عمومی را می‌سازد و امور عبادی، آموزشی و قضایی را در دست دارد... همیشه نیروی عظیمی در دست روحانیت شیعه متمرکز بوده است» (گروه، ۱۳۶۹: ۲۳۰). با توجه به استراتژیک بودن مؤلفه ولایت‌مداری در هویت ملی ایرانیان، لازم است تا به جای تمرکز بر بُعد تاریخی ولایت‌مداری ایرانیان، سطوح ولایت‌مداری تبیین شود و جایگاه اعتقاد بر حاکمیت ولایت فقیه بر تقویت و پاسداشت هویت فرهنگی ایرانیان بیشتر بررسی شود.

عدالت‌طلبی

عدالت‌طلبی بی‌پایان در جامعه ایرانی (سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان، ۱۳۸۶: بند ۳)، یکی از مؤلفه‌های هویت فرهنگی ایرانیان است. عدالت اجتماعی به‌عنوان یک گرایش باطنی و امری

فطری در نهان و نهاد انسان، از مسائلی است که همواره توجه بشر را به خود جلب کرده است و ایرانیان از آغاز تاکنون، اندیشه برقراری عدالت اجتماعی و مبارزه با ستم را در سر می‌پروراندند (کریمی و بلباسی، ۱۳۹۳: ۱۰۲). به یک معنا، یکی از چیزهایی که روح تشنه ایرانی را به سمت اسلام می‌کشید، «عدل و مساوات اسلامی» بود (مطهری، ۱۳۵۷: ۱۲۱). لذا مردم و دولت باید به گونه‌ای تحت تربیت قرار گیرند که در تعاملات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی خود با یکدیگر با قسط و عدل رفتار کنند (متقی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۴). در سند به ابعاد مختلف عدالت (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و...) اشاره نشده است و درعین حال، با توجه به اهمیت عدالت‌طلبی در جامعه اسلامی و ایرانی، لازم بود تا به‌عنوان یک مؤلفه مشخص و مهم به صورت موردی به آن پرداخته شود؛ ولی تنها دوبار در بند سوم و هفتم این سند به آن اشاره شد که البته فقط لفظ عدالت استفاده شد و از حیث محتوایی هیچ اشاره‌ای به آن نشد.

مهدویت، انتظار و رسالت تاریخی ایرانیان

یکی از ویژگی‌های برجسته و قابل توجه هویت ملی ایرانیان، اعتقاد آنان به ظهور موعود و منجی عالم و انتظار توأم با زمینه‌سازی برای این ظهور است (سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان، ۱۳۸۶: بند ۷). اعتقاد به وجود حضرت مهدی (عج) که منجی جهان بشریت و تشکیل‌دهنده حکومت عدل جهانی است، یکی از باورهای مشترک و یکی از مهم‌ترین عناصر هویت فرهنگی اسلامی میان تمام مسلمانان و مبانی نظام اجتماعی اسلام است. مسلمانان در عصر غیبت کبری، موظف به انتظار فرج هستند. انتظار سازنده، به معنای تلاش برای زمینه‌سازی جهت ظهور امام زمان (عج) به وسیله تحقق ایمان محکم، عمل به احکام شرعی، تدوین نظام‌های اجتماعی و تشکیل حکومت اسلامی است (بی‌نام، ۱۳۸۹: ۱۹). در این راستا، یکی از ویژگی‌های برجسته‌ای که از فرهنگ سیاسی ایرانیان استخراج می‌شود، رسالت‌گرا بودن آنها است. ایرانیان خود را در موقعیت رهبر جناح مقاومت می‌بینند که تلاش دارد تا روابط ناعادلانه حاکم بر مناسبات داخلی و بین‌المللی را برهم بزند و نظمی نو مبتنی بر مساوات و معنویت برپا دارد. مبارزه با مستکبرین و ظالمان دنیا، حمایت از گروه‌های مقاومت در اقصا نقاط سرزمین‌های اسلامی، پذیرش طلبه از سایر کشورها، برقراری روابط فرهنگی با دیگر ملت‌ها، تلاش برای صدور ارزش‌های انقلاب و غیره در چارچوب این رویکرد و زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان (ع) قابل تحلیل است (سلیمانی، ۱۳۹۰: ۱۸۷).

جدول ۳. تحلیل کمی لایه هویت فرهنگی اسلامی در سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان

فراوانی کلمات				فراوانی کلمات					
درصد فراوانی	فراوانی	طول کلمه	کلمه	عناصر هویتی	درصد فراوانی	فراوانی	طول کلمه	کلمه	عناصر هویتی
۰/۰۷	۱	۱۳	ادیان ابراهیمی	روح معنویت گرای و توحید باوری	۰/۰۷	۱	۷	هم‌گرایی	هم‌گرایی فرهنگی با جهان اسلام
۰/۰۷	۱	۶	انسجام		۰/۰۷	۱	۶	ملت‌های فراملی	
۰/۰۷	۱	۵	پرستش		۰/۰۷	۱	۶	جهان اسلام	
۰/۱۳	۲	۴	تعبد		۰/۰۷	۱	۹	هم‌جواری	
۰/۱۳	۲	۵	توحید		۰/۱۳	۲	۷	کشورهای اشتراکات	
۰/۲	۳	۳	خدا		۰/۰۷	۱	۸	همسایه وحدت	
۰/۳۳	۵	۳	روح		۰/۰۷	۱	۶	الانبیاء	
۰/۱۳	۲	۶	توحیدی		۰/۲	۳	۶	اهل بیت	
۰/۲	۳	۴	موحد		۰/۱۳	۲	۶	اولیای ائمه	
۰/۱۳	۲	۶	معنویت		۰/۱۳	۲	۶	پیامبر سیره پیامبر (ص) و خاندان وحی	
۰/۰۷	۱	۹	یکناپرستی	۰/۱۳	۲	۵	پیروی دین رسل دین‌داری سیره عبادت عشق مودت معصومان هدایت‌گر خاتوادگی		
۰/۲	۳	۳	وحی	۰/۰۷	۱	۳	دین رسل		
۰/۲	۳	۴	الهی	۰/۰۷	۱	۷	دین‌داری		
۰/۸۶	۱۳	۵	اسلام	۰/۰۷	۱	۴	سیره		
۰/۰۷	۱	۷	انسانیت	۰/۰۷	۱	۵	عبادت		
۰/۰۷	۱	۶	باورها	۰/۱۳	۲	۳	عشق		
۰/۰۷	۱	۴	تشیع	۰/۰۷	۱	۳	مودت		
۰/۲۶	۴	۶	تعالیم	۰/۰۷	۱	۷	معصومان		
۰/۰۷	۱	۹	حبل‌المتین	۰/۰۷	۱	۴	هدایت‌گر		
۰/۰۷	۱	۷	رستگاری	۰/۰۷	۱	۵	خاتوادگی		
۰/۱۳	۲	۴	محبت	۰/۰۷	۱	۴	اخلاق		
۰/۰۷	۱	۴	مذهب	۰/۱۳	۲	۴	آداب		
۰/۰۷	۱	۴	فطرت	۰/۰۷	۱	۴	حسنه		
۰/۲	۳	۴	قرآن	۰/۰۷	۱	۵	کرامت		
۰/۱۳	۲	۵	معارف	۰/۱۳	۲	۵	عدالت		
۰/۰۷	۱	۷	مشروعیت	۰/۰۷	۱	۸	عدل جهانی		
۰/۰۷	۱	۴	مؤمن	۰/۰۷	۱	۹	عدالت‌طلبی		
۰/۰۷	۱	۵	رهبری	۰/۰۷	۱	۴	عدالت‌طلبی		
۰/۰۷	۱	۴	فقیه	۰/۰۷	۱	۵	عدالت‌طلبی		
۰/۰۷	۱	۵	امامت	۰/۱۳	۲	۵	عدالت‌طلبی		
۰/۱۳	۲	۵	پاکان	۰/۰۷	۱	۸	عدالت‌طلبی		
۰/۰۷	۱	۱۰	پرهیزگارا	۰/۰۷	۱	۹	عدالت‌طلبی		

			ن				بی			
۰/۱۳	۲	۵	خمینی		۰/۰۷	۱	۷	عدالت‌جو	مهدوی، انتظار و رسالت تاریخی ایرانیان	
۰/۰۷	۱	۶	رهبران		۰/۰۷	۱	۴	غیبت		
۰/۰۷	۱	۶	صالحان		۰/۲۶	۴	۶	انتظار		
۰/۵۳	۸	۵	ولایت		۰/۵۳	۸	۶	انقلاب		
۰/۱۳	۲	۴	الگو		۰/۰۷	۱	۶	اعتقاد		
۰/۰۷	۱	۱۰	ولایت- مداری		۰/۰۷	۱	۱۰	آینده- گرایی		
۰/۰۷	۱	۶	دفع ظلم	دفع ظلم و حفظ عزت جمعی	۰/۳۳	۵	۵	رسالت		
۰/۰۷	۱	۵	مستبد		۰/۵۳	۸	۴	ظهور		
۰/۰۷	۱	۳	زور		۰/۰۷	۱	۵	آزادی		
۰/۰۷	۱	۳	عزت		۰/۰۷	۱	۱۰	موعودگرا		
۰/۰۷	۱	۷	استبداد		۰/۱۳	۲	۶	بی		
۰/۰۷	۱	۷	تجاوزگر		۰/۰۷	۱	۴	مهدویت		
۰/۰۷	۱	۷	تجاوزگر		۰/۰۷	۱	۴	منجی		

عناصر هویت فرهنگی ایرانی

تاریخ ایران (آگاهی تاریخی)

بُعد تاریخی هویت ملی عبارت است از «آگاهی مشترک افراد یک جامعه از گذشته تاریخی و احساس دلبستگی به آن». این احساس سرنوشت‌پنداری، نسل‌های مختلف یک ملت را به هم پیوند می‌دهد. آگاهی نسبت به گذشته تاریخی سه بُعد دارد: دانش تاریخی به معنای آگاهی از حوادث مهم و شخصیت‌های تاریخی؛ تعلق خاطر به معنای وجود احساسات مثبت و منفی نسبت به حوادث و شخصیت‌های مثبت و منفی؛ اهتمام تاریخی به معنای اهمیت دادن به وقایع تاریخی (گودرزی، ۱۳۸۵: ۲۹). ملت‌ها، شخصیت‌های اخلاقی هستند که در طول زمان و پیوسته، رشد می‌کنند و تاریخ قصد دارد تا ملت را وادار به کشف پیروزی‌ها و شکست‌هایی کند که آن‌ها را شکل داده‌اند (Hutchinson, 1992: 110). رویدادهایی که سرنوشت یک ملت را شکل می‌دهند، تحت عنوان خاطرات مشترک، افراد واقعی یا افسانه‌ای آفریننده این رویدادها به عنوان قهرمانان، اساطیر و نتایج مادی و معنوی آن‌ها موجب شکل‌گیری هویت تاریخی گروه‌های انسانی می‌شود و آن‌ها را به صورت ملت درمی‌آورد (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۸۸: ۹). تاریخ، یکی از عمده‌ترین عناصر سازنده هویت فرهنگی و ملی ایران است؛ چراکه بیانگر آغازین دوره‌های شکل‌گیری روح جمعی و دیرینه بودن هویت ملی ایران است (احمدی، ۱۳۹۰: ۳۸۳). گوینو درباره آگاهی ایرانیان از تاریخ خود می‌نویسد: «در ایران با هر کس و از هر طبقه برخورد نماید مشاهده

می‌نمایید که تاریخ کشور خود را می‌داند ... ایرانی ذاتاً و فطرتاً اطلاع از حوادث تاریخی را دوست می‌دارد. ملت ایران فقط خواهان سرگذشت‌های تاریخی کشور خود است و مثلاً علاقه به تاریخ فرانسه یا آلمان ندارد» (گوبینو، بی‌تا: ۶۵). این سند، بیش از هر چیزی به مؤلفه‌های هویتی براساس ریشه‌های تاریخی اشاره می‌کند و از حیث ابعاد تاریخی هویت ایرانیان، سندی شایسته تقدیر است.

عالمان و علم‌دوستی

علم در ایران قبل از اسلام و در دوره اسلامی، در ایجاد و تقویت هویت فرهنگی و معنوی ایرانیان نقشی اساسی ایفا می‌کند. بسیاری از رفتارها، مناسبت‌ها، واژگان، ابتکارات و اختراعات ملت ما بر فرهنگ سایر ملل کاملاً اثرگذار بوده است. دانشمندانی چون بوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، زکریای رازی، خواجه‌نصیر طوسی، جابر ابن حیان، خوارزمی، طبری و غیره که در علوم چون ریاضی، نجوم، طب، فلسفه، شیمی، فیزیک و دیگر علوم از سرآمدان عصر خویش بودند. تاورنیه در این باره می‌نویسد: «با پشتکاری که ایرانیان در تحصیل علم دارند و با قناعت و استعداد و ظرافت طبع و علاقه ذاتی ایشان به همه علوم، اگر روش تعلیم و تعلم ما را داشتند و در آن واحد فقط به یک علم می‌پرداختند و در آن کامل می‌شدند، با دسترسی آسان به کتاب‌ها چنانکه در اروپای ما مرسوم است، هیچ شک نیست که دانشمندان برجسته‌ای می‌شدند» (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۲۶۱). کرویس اذعان می‌دارد: «ذوق و سلیقه حاکم بر ایرانیان بزرگداشت و جست‌وجوی علم است. ایرانیان در سراسر عمر همت خود را وقف این کار می‌کنند» (کرویس، ۱۳۸۰: ۸۸)؛ بنابراین، علم‌دوستی و تولید علم و عالمان این سرزمین به بخشی از هویت فرهنگی ملت ایران تبدیل شده است و مردم ایران می‌بایست در زمینه معرفی دانشمندان اسلامی و دستاوردهای آن‌ها در علوم مختلف، نقش مهمی ایفا کنند.

معماری ایرانی

معماری به‌عنوان یک مؤلفه تمدنی و تاریخی، بخشی از هویت ایرانیان است که در بند ششم سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان به آن اشاره شده است. معماری به‌مثابه هویت، در عصر حاضر به‌شدت مورد توجه قرار گرفته و بیش از آن که معطوف به گذشته باشد به بینش افراد مرتبط است، زمان حال را در برمی‌گیرد و تقاضا برای بهره‌مندی از آن ریشه در نیازهای فردی و جمعی

شهروندان در محیط شهر دارد (قطبی، ۱۳۸۷: ۷۸). معماری سنتی ایران، گنجینه‌ای بی‌بدیل از آثار شاخص و ارزشمندی است که در طول سالیان متمادی شکل گرفته است. این آثار ارزشمند نشان از اندیشه‌ای والا در میان گذشتگان و نیاکان پاک‌سرشتی دارد که این آثار را از ایشان به یادگار برده‌ایم. گرایش به دستیابی به یک معماری فاخر و ارزشمند، منجر به شکل‌گیری تلاش‌های زیادی شده که با هدف حفظ و احیای هویت ایرانی - اسلامی مشاهده می‌شوند (مهدوی‌نژاد و هاشمی، ۱۳۹۲: ۸۶). توجه به مؤلفه‌های معماری اسلامی و ایرانی می‌تواند به پاسداشت هویت ملی کمک شایانی کند؛ زیرا عناصر هویت بومی در معماری‌های اصیل و سنتی نمود می‌یابد و سند هویت ملی ایرانیان به این موضوع اشاره داشته است که ارتباط معناداری با هویت ملی دارد.

میراث فرهنگی و آیینی

میراث فرهنگی مشترک یکی از مهم‌ترین اجزای هویت ملی است که سبب توافق فرهنگی می‌شود و کلیه ابعاد فرهنگی هر نظام اجتماعی را دربرمی‌گیرد که به‌نحوی خودآگاه یا ناخودآگاه ما را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. میراث فرهنگی هر ملت که در هویت فرهنگی آن مؤثر است، مشتمل بر مجموعه مناسک عام، شیوه‌های معماری، سنت‌ها، اعیاد، اسطوره‌ها، عرف‌ها و فرهنگ مردم است (حیدری، ۱۳۸۳: ۳۴۹). به تعبیری کلی، به نظر می‌رسد مجموعه خصلت‌های ملی، ارزش‌های حاکم بر جامعه و مردم، سنت‌های پذیرفته شده جامعه و اعتقادات کلی جامعه در میراث فرهنگی و آئین‌های سنتی تبلور می‌یابد. به همین دلیل، می‌توان میراث فرهنگی و هنری ایرانیان را یکی از نمادهای هویت ایرانی قلمداد کرد که حفظ و حراست آن‌ها با پایداری جامعه ایرانی ارتباط دارد؛ زیرا تقویت‌کننده فرهنگ ملی هستند و تزلزل در آن‌ها، استحاله و دگرگونی فرهنگی و سیاسی را به همراه خواهند داشت و در برابر فرهنگ‌های مهاجم، هویت ملی نیز خیلی زود رنگ می‌بازد. سند مزبور به برخی از میراث‌های ایرانیان اشاره داشته است؛ اما به نظر می‌رسد بهتر بود بخش عمده‌ای از میراث فرهنگی و آیینی ایرانیان در این سند ذکر می‌شد تا خوانندگان به هویت ملی خود در قالب مراسم آیینی بیشتر آشنا شوند. در بند چهارم سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان بر «آیین‌ها و رسوم» به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های هویتی سرزمین ایران تأکید شده است و هویت مکانی ایران را با «آیین‌ها، رسوم و خرده‌فرهنگ‌هایی زیبا، عمیق، هم‌سو و هم‌افق در یک سرزمین فرهنگی متحد» تشریح می‌کند. این مراسم آیینی و آیین‌های ملی و دینی، ثبات اجتماعی و وحدت عمومی را تقویت می‌کند و به اشاعه جامعه‌ای یکپارچه کمک شایانی می‌نمایند. همین

امر، هویت جمعی ایران با وجود تنوع قومی و مذهبی را شکل می‌دهد که می‌تواند برای کشورهای چندپاره به‌مثابه یک الگوی عملیاتی برای زیست سیاسی و اجتماعی باشد. نمونه‌ای از این مراسم آیینی مربوط به «سالگرد شهادت یا ولادت ائمه معصوم (ع)» در سراسر ایران است که هر منطقه با توجه به مقتضیات فرهنگی، اقلیمی و ارزشی خود، به پاسداشت آیین‌های دینی و ملی می‌پردازند که تجمیع این مراسم در اقصی نقاط ایران، تقویت‌کننده هویت جمعی برای جامعه ایرانی خواهد بود (قربی و منصوری، ۱۳۹۵: ۵۷).

همسازی و همدلی میان خرده‌فرهنگ‌های متنوع

ایران کشوری کهن است که تنوع فرهنگی را تجربه کرده و می‌توان آن را طبق تعریف «پارخ» جامعه متنوع فرهنگی دانست که با سایر جوامع متنوع چندملیتی و چندقومی تفاوت‌های بنیادین دارد. همین تفاوت‌ها موجب شده است تا مناسبات بین قومی و نیز روابط دولت‌ها با اقوام ایرانی با الگوهای رایج روابط و سیاست‌های قومی اختلافات زیادی را نشان دهد. یکی از مظاهر تفاوت این است که تنوع فرهنگی ایران برخلاف بعضی جوامع متنوع، در طول تاریخ موجب بروز ناهمسازی سیاسی و کشمکش بین قومی نشده است؛ بلکه این گروه‌ها زیست مسالمت‌آمیز داشته‌اند. حتی علی‌رغم برخی تحولات قومی در مقاطعی از تاریخ ایران، این رخدادها نه ستیزه بین قومی، بلکه اقداماتی در راستای بیگانه‌ستیزی، حفظ سرزمین، مقابله با استبداد و بی‌کفایتی طبقه حاکم بوده است. هم‌زیستی مسالمت‌آمیز گروه‌های قومی / زبانی و اقلیتی ایران ریشه در نظام معنایی و باور مشترک همه ایرانیان بر ایرانی بودن خود دارد که باعث گردیده است که نه تنها گروه‌های متنوع قومی و اقلیتی با یکدیگر هم‌زیستی داشته باشند، بلکه تاکنون هویت‌های قومی و اقلیتی آن‌ها در تعارض با هویت ملی‌شان قرار نگیرد (کریمی و مؤذن، ۱۳۹۰: ۲۵). یکی از نمودهای بارز حضور و علاقه اقوام گوناگون و اقلیت‌های دینی به ایران را در دفاع مقدس دیده شد. گلزار شهدای ادیان و مذاهب مختلف، از اهل تسنن گرفته تا بسیاری از فرقه‌های مسیحیت و یهودیت و زرتشت، گواه این رشادت ملی است. یکی از مسائل توجه برانگیز در ارتباط با اقوام اقلیت‌های مختلف در ایران، وجود خرده‌فرهنگ‌های بسیار زیبا و گوناگون در میان این اقوام و اقلیت‌ها است. به طوری که در هر قوم و اقلیت ایرانی مجموعه خاصی از عقاید، روابط، رفتارها، سنن، آداب و آیین‌هایی وجود دارد که مختص همان قوم یا اقلیت است که همگی به بخشی از هویت فرهنگی ایرانیان تبدیل شده است.

سرزمین ایران

بند چهارم سند نیز از «سرزمین ایران» به عنوان یکی از مؤلفه‌های هویت فرهنگی ایرانیان یاد کرده است: «این سرزمین، معنایی فرهنگی و انسانی و نه جغرافیایی و مرزی است» (سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان، ۱۳۸۶: بند ۴). در سند مذکور، ارتباط بین مکان و سرزمین با هویت به خوبی تبیین نشده است و صرفاً با ارائه مثال جنگ تحمیلی سعی در تشریح این موضوع شده است. در خصوص ارتباط مکان و هویت باید تلاش شود تا ارتباط بین مکان و هویت از بُعد مادی خارج شود و مسائل معنوی و روحانی در بازسازی هویت مکان استفاده شود که سند مزبور از این حیث، عملکرد چندان مطلوبی نداشته است.

از دیرباز، برهم‌کنشی مکان و هویت انسان‌های ساکن در آن کانون توجه جغرافیدانان در قالب مفاهیمی مانند جبر جغرافیایی، ادراک محیطی، جغرافیای رفتاری و ... بوده است. طی چند دهه اخیر، برخاسته از تهدیدات ناشی از کشمکش‌های هویتی و کوشش برای پاسداشت همبستگی ملی و پیوستگی سرزمینی، مفاهیمی مانند هویت مکانی، حس و تعلق مکانی در فرآیند هم‌گرایی ملی و نمادسازی‌های مکانی واحدهای سیاسی، توجه روزافزونی به خود جلب کرده‌اند (کاوایانی‌راد و فتاحی، ۱۳۹۱: ۲۵). هایدگر با احیای مفهوم مکان در اندیشه، اصالت هویت را بر مبنای اصل سکنی‌گزیدن و با زمین پیوند داشتن و اصل بازگشت به بوم تعریف می‌کند؛ از این رو جست‌وجوی ریشه‌های هویتی را جزء رسالت‌های تاریخی هر ملت می‌داند. درنهایت، هایدگر پیرو سیاستی مبتنی بر اصالت است (معینی‌علمداری، ۱۳۸۱: ۹). فولر بر این باور است که: «تاریخ ایران تا اندازه‌ای تابعی از جغرافیا و ژئوپلیتیک سنتی آن است. همسایگان، محورهای ارتباطی، مسیرهای هجوم، تجارب سیاسی نظامی، اقتصادی و قومی به‌طور مستقیم تأثیر گذارند و تجربه‌های تاریخی در قالب‌ریزی آن خصوصیت فراری که آن را با اسامی گوناگون فرهنگ ملی، فرهنگ سیاسی یا خصوصیت ملی مشخص می‌کنیم، تأثیر نیرومندی دارد.» (فولر، ۱۳۷۷: ۲).

زبان و خط پارسی

کسب زبان و دیگر شکل‌های ارتباطی، بُعد مهمی از هویت فرهنگی محسوب می‌شود. زبان مادری یا بومی، اولین ابزار دسترسی به جهان عینی است. کسانی که با یک زبان واحد صحبت می‌کنند، می‌توانند دارای تجربیات، احساسات، افکار و جوک‌های مشترکی باشند. علاوه بر این، رمز قلمرو عینیت نیز مشخص خواهد شد: استفاده‌کنندگان از یک زبان واحد در جهان خارجی

واحدی زندگی می‌کنند (Poole, 1999: 13). خط، یکی از عوامل مهمی است که در تکوین و تحویل هویت اثرگذار است؛ لذا همواره مورد توجه دولت‌مردان بوده است. به‌عنوان مثال از نخستین و مهم‌ترین اقدامات مصطفی کمال (آتاتورک) که با یاری جنبشی ملی‌گرایانه به ریاست جمهوری ترکیه رسید، حذف خط عربی و جایگزین نمودن آن با واژگانی ملهم از الفبای لاتین بود؛ چراکه نمود هویتی خط، باز نمودی فرهنگی در سیر تاریخی یک کشور برجای می‌گذارد. بنابراین، باید در هویت فرهنگی جایگاه زبان نوشتاری را متمایز از زبان گفتاری مورد توجه قرار داد (آشنا و روحانی، ۱۳۸۹: ۱۷۰). در جمهوری اسلامی ایران، اهمیت زبان نوشتاری و خط در اصل ۱۵ قانون اساسی بازتاب یافته است: «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران، فارسی است.» (منصور، ۱۳۸۵).

تمدن ایرانی

کشور ایران به دلیل تکثر قومی و داشتن تمدن غنی، نیاز به بررسی و شناخت تحولات و تأثیرات هویت ملی دارد (میرمحمدی، ۱۳۸۳). تمدن، پاسخی است که فرهنگ به نیازهای مادی جامعه خود می‌دهد. دستاوردهای تمدنی هر ملتی برای مردمش موجودیتی فراهم می‌سازد که شناخت آن بسی مهم است (محسنی‌پورهونجانی و فیاض‌انوش، ۱۳۹۲: ۷). تمدن باستانی ایران میان کانون‌ها و تمدن‌های قدیم و جدید محصور و در طول تاریخ کهن خود از اهمیت قابل توجهی برخوردار بوده است. با ورود اسلام به سرزمین ایران و پذیرش ارزش‌های الهی و آموزه‌های دینی اسلام توسط مردم آن، فرهنگ و تمدن باستانی و بیش از شش هزار ساله ایران، با بهره‌گیری از اصول اسلامی، غنی‌تر از گذشته در سیر تکامل گام نهاد. ایران امروز با طی تاریخ پرفرازونشیب، در طول سالیان متمادی واجد ویژگی‌های فرهنگی و تمدنی منحصر به فرد گردیده که در طول تاریخ معاصر، طمع جهان‌گشایان را برای خشکاندن ارزش‌های فرهنگی و از میان بردن آثار تمدنی آن برانگیخته است. پشتوانه ایدئولوژیک فرهنگی، زبان، ادبیات، سوابق و اسطوره‌های فرهنگی، آثار باستانی و بناهای تاریخی، شمار زیادی از شعرا، فلاسفه، اطباء، اخترشناسان، ریاضی‌دانان و عالمان دینی و شخصیت‌های مذهبی از جمله عوامل هم‌گرایی فرهنگی ایرانیان است که مصادیق هر یک از این مفاهیم، خود به‌تنهایی نقطه‌قوت فرهنگی قابل مباحثات و افتخار آفرین برای حاکمان و شهروندان ایرانی به شمار می‌آید (سلیمی‌بنی، ۱۳۹۲: ۵۱-۵۰). عناصر تمدنی ایرانیان سازنده هویت تاریخی و تقویت‌کننده خاطره جمعی هستند که ممکن است عاملی برای تقویت همبستگی اجتماعی در جامعه ایرانی باشند و به‌درستی در سند هویت ملی ایرانیان به آن اشاره شده است.

حافظه و خاطره جمعی

حافظه جمعی و فرایند هویت‌یابی فرهنگی و ملی موضوعی مهم است؛ زیرا هر جامعه‌ای از طریق حافظه جمعی‌اش خود را تعریف می‌کند، به دیگران می‌نمایاند و بدون حافظه جمعی درک کیستی و چیستی افراد و گروه‌ها میسر نمی‌شود. حافظه جمعی، بقا و ماندگاری صاحبان هویت‌های جمعی مثل ملت‌ها را تضمین و مانع میرایی آن‌ها می‌شود. حافظه جمعی بازدارنده فراموشی گذشته و عامل اتصال آن با حال و انتقال به آینده است و زمانی این ارتباط را برقرار می‌کند که به‌طور سازنده برای نسل‌های بعد روایت شود. حافظه جمعی به‌منزله پروژه‌ای هویتی، محصول عاملیت مهم گروه‌های انسانی است که روایت‌های مناسب را با الگو قرار دادن کسانی که در فرآیند معناسازی درگیر بوده‌اند بازگو می‌کند. حافظه جمعی با دخالت در فرایند سیاسی هویت‌یابی و به‌مثابه مواد قابل استفاده از گذشته برای توجیه و مشروعیت‌بخشی به عقاید، دیدگاه‌ها و نیاز زمان حال خدمت می‌کند و این مهم را از طریق عینی‌سازی حافظه جمعی و به‌واسطه ایجاد پایگاه‌های حافظه مانند برگزاری مراسم یادبود، ساخت یادمان‌ها و دیگر اقدامات شهرت‌آور انجام می‌دهد (کریمی، ۱۳۹۲: ۳). *ارنست رنان*، نویسنده فرانسوی، معتقد است که عامل تکوین یک ملت، داشتن تاریخی مشترک از دردها و رنج‌های همگانی و خاطرات مشترک تاریخی است (بشیریه، ۱۳۸۶: ۳۳). از آنجایی که نمی‌توان هویت فرهنگی در ایران را تنها دارای خاستگاه و زمینه برساخت‌گرایانه دانست، باید تأکید کرد که عنصر اصلی در این زمینه وجود اشتراکات، تعاملات و مناسبات تاریخی، ارزشی، فرهنگی و سیاسی بوده است؛ به‌نحوی که این اشتراکات به‌صورت کاملاً طبیعی بر روی هم انباشته و متراکم شده‌اند. اصل تداوم تاریخی در ایران که علی‌رغم وقوع بحران‌های سیاسی، اشغال نظامی و... همواره به چشم می‌خورد، هسته اولیه و اصلی شکل‌گیری هویت فرهنگی و ملی ما به‌شمار می‌آید. در این میان، نقش پیروزی‌های بزرگ و شکست‌های سنگین در ایجاد خاطرات جمعی ایرانیان بسیار مهم است (حاجیان، ۱۳۸۸: ۲۴۵-۲۴۴).

دفاع از سرزمین

ملت، به‌واسطه ظرفیتش در درخواست فداکاری، زندگی مشترکی را برای اعضایش فراهم می‌کند که بالاتر از خودشان است (Poole, 1999: 63). سرزمین تاریخی، جایی است که در آنجا، زمین و چندین نسل مردم، تأثیری مفید و دوطرفه بر هم می‌گذارند. وطن، جایگاه ارتباطات و حافظه‌های تاریخی است و جایی است که متفکرین، قدیسان و قهرمانان در آنجا کار می‌کردند و

نیایش می‌کردند و می‌جنگیدند. همه این ویژگی‌ها باعث می‌شود یک وطن (میهن)، منحصر به فرد بشود. رودخانه‌ها، سواحل، برکه‌ها، کوهستان‌ها و شهرها، مکان‌های مقدس ستایش شدنی‌ای هستند که درک عمیق آن‌ها از سوی اعضای آگاه یک ملت، امکان‌پذیر است. قلمرو ملی، بایستی خودکفا بشود. خودکفایی عبارت است از دفاع از سرزمین‌های مادری، درست همانند دفاع از منافع اقتصادی (Smith, 1991: 9-10). در دفاع مقدس، تقریباً از تمام اقوام و اقشار جامعه از پیر و جوان گرفته تا خردسال و کهن سال و زن و مرد، بازاری، روحانی، قاضی، معلم، پزشک، راننده، دانش‌آموز، استاد، دانشجو، هنرمند، کارگر، کارمند، کشاورز و سایرین در جنگ حضور داشته‌اند و هر کدام از این اقشار در بین شهیدان جنگ و دفاع مقدس، سهمی دارند. این مسئله همدلی، اتحاد و احساس تکلیف همه اقشار در امر دفاع و جهاد در راه سرزمین را نشان می‌دهد (عزیزی، ۱۳۹۱: ۱۱۷).

جدول ۴. تحلیل کمی لایه هویت فرهنگی ایرانی در سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان

فراوانی کلمات				فراوانی کلمات				عناصر هویتی	عناصر هویتی
درصد فراوانی	فراوانی	طول کلمه	کلمه	درصد فراوانی	فراوانی	طول کلمه	کلمه		
۰/۱۳	۲	۶	معماری	۰/۲۶	۴	۵	پارسی	زبان و خط پارسی	
۰/۰۷	۱	۱۰	عبادتگاه‌ها	۰/۱۳	۲	۴	تعلق		
۰/۰۷	۱	۷	نمادهای	۱/۵۹	۲۴	۴	زبان		
۰/۰۷	۱	۵	مساجد	۰/۰۷	۱	۷	استقلال		
۰/۰۷	۱	۵	میراث	۰/۴	۶	۵	فارسی	خط	
۰/۰۷	۱	۸	هنرمندان	۰/۱۳	۲	۲	خط		
۰/۰۷	۱	۶	مزدایی	۰/۰۷	۱	۹	اقلیت‌هایی	همسازی و همدلی میان خرده‌فرهنگ‌های متنوع	
۰/۲	۳	۴	قومی	۰/۰۷	۱	۷	آیین‌ها		
۰/۰۷	۱	۷	اساطیری	۰/۳۳	۵	۵	اقوام		
۰/۱۳	۲	۴	آیین	۰/۰۷	۱	۴	تحمل		
۰/۰۷	۱	۴	رسوم	۰/۱۳	۲	۳	قوم		
۰/۰۷	۱	۵	زرتشت	۰/۰۷	۱	۴	کثرت		
۰/۰۷	۱	۷	سنت‌ها	۰/۰۷	۱	۵	مسیحی		
۰/۰۷	۱	۵	آگاهی	۰/۰۷	۱	۷	یکپارچه		
۰/۱۳	۲	۶	باستان	۰/۰۷	۱	۵	نژادی		
۰/۰۷	۱	۳	پند	۰/۰۷	۱	۴	متحد		
۰/۷۹	۱۲	۵	تاریخ	۱/۳۹	۲۱	۵	ایران	سرزمین ایران	
۰/۸۳	۱۱	۶	تاریخی	۰/۰۷	۱	۴	عظمت		
۰/۰۷	۱	۴	عبرت	۰/۱۳	۲	۹	جغرافیایی		

۰/۰۷	۱	۶	ادیبان	عالمان و علم‌دو ستی	۰/۴۶	۷	۶	سرزمین	حافظه و خاطره جمعی	
۰/۱۳	۲	۶	شاعران		۰/۰۷	۱	۵	قلمرو		
۰/۱۳	۲	۴	حافظ		۰/۱۳	۲	۴	کشور		
۰/۰۷	۱	۶	خاقانی		۰/۷۹	۱۲	۳	ملت		
۰/۰۷	۱	۴	سعدی		۰/۹۹	۱۵	۳	ملی		
۰/۰۷	۱	۷	سهروردی		۰/۴۶	۷	۴	مردم		
۰/۰۷	۱	۷	ابن سینا		۰/۰۷	۱	۴	ملیت		
۰/۰۷	۱	۷	متفکران		۰/۰۷	۱	۴	حکمت		
۰/۰۷	۱	۳	شعر		۰/۱۳	۲	۵	خاطره		
۰/۰۷	۱	۳	شمس		۰/۰۷	۱	۳	ذهن		
۰/۰۷	۱	۴	صائب		۰/۰۷	۱	۶	رنج‌ها		
۰/۰۷	۱	۶	عالمان		۰/۲	۳	۵	حافظه		
۰/۰۷	۱	۵	عرفان		۰/۰۷	۱	۴	شیمی		تمدن ایرانی
۰/۱۳	۲	۳	علم		۰/۰۷	۱	۵	فلسفه		
۰/۰۷	۱	۶	فردوسی	۰/۲	۳	۴	تمدن			
۰/۰۷	۱	۶	فقیهان	۰/۲۶	۴	۵	حکومت			
۰/۰۷	۱	۸	قبادیانی	۰/۰۷	۱	۴	نجوم			
۰/۰۷	۱	۱۰	نظامی گنجوی	۰/۰۷	۱	۵	هندسه			
۰/۰۷	۱	۶	مولانا	۰/۰۷	۱	۳	هنر			
۰/۰۷	۱	۸	متجاوزان	۰/۰۷	۱	۲	طب			
۰/۰۷	۱	۳	مرز	۰/۰۷	۱	۴	علوم			
۰/۱۳	۲	۷	پاسداری	۰/۰۷	۱	۷	ریاضیات			
۰/۰۷	۱	۵	شهادت	۰/۰۷	۱	۴	شیمی			
۰/۱۳	۲	۴	دفاع	۰/۰۷	۱	۵	فلسفه			
				دفاع از سرزمین						

جایگاه «هویت قومی» و «هویت مدرن» در سند «مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان»

در خصوص جایگاه «هویت قومی» در سند «مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان» باید ابراز داشت که به دلیل تأکید سند بر ملی بودن هویت، اشاره چندانی به هویت‌های قومی نشده است و با وجود تکرار ۵ باره واژه «قوم» در این سند، تمامی این اشارات ناظر بر عبور از هویت قومی و تأکید بر جنبه برتر هویت، یعنی ملیت و تجمیع هویت‌های قومی تحت لوای ملیت است. همان‌گونه که در بند چهارم این سند تأکید شده است «هویتی خاص داشتیم که نه قومی و نه فردی بلکه ملی بود»؛ یا در جایی دیگر با تأکید بر آموزه‌های دینی آمده است که «ایرانیان فارغ از قوم و آیین به آموزه‌های دین مبین اسلام متعهد هستند» (سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان،

۱۳۸۶: بند ۲). به نظر می‌رسد این سند از حیث توجه به علایق و خرده‌هویت‌های بومی، توجه خاصی به نقش هویت اقوام و اقلیت‌ها در تقویت هویت ملی ندارد و صرفاً بر وجوه ملی هویت تأکید دارد. این در حالی است که یکی از مؤلفه‌های پراهمیت در تقویت هویت ملی ایرانیان، هویت قومی بوده است که در شرایط سخت و نابسامان، به کمک ایرانیان شتافته‌اند و از هویت جمعی ایرانیان حراست کرده‌اند.

یکی از ابعاد هویت ملی و فرهنگی ایرانیان، هویت فرهنگی مدرن و متجددانه است که سومین لایه فرهنگی هویت ایرانیان محسوب می‌شود. آنچه از نظام آموزشی نوین، سبک زندگی پیشرفته، شهرسازی، شیوه معماری، نظام اداری، شکل و قالب اداره امور کشور، قانون‌نویسی، دستگاه قضایی جدید، شکل حکومت، پارلمان، اصل تفکیک قوا و ده‌ها نمونه دیگر داریم، از مظاهر هویت مدرن و متجدد به شمار می‌رود (رضایی و جوکار، ۱۳۸۸: ۷۰). در تمامی اسناد فرادستی نظام جمهوری اسلامی ایران، اعم از قانون اساسی و سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران، نیز به لایه هویت و متجدد ایرانیان اشاره شده است؛ ولی در سند مزبور تنها یک‌بار واژه «مدرن» آمده است که آن هم در ارتباط با مقوله «سرزمین ایران» است: «این سرزمین، معنایی فرهنگی و انسانی و نه جغرافیایی و مرزی است و مفهومی بسیار عمیق‌تر از مفهوم دولت‌ملت مدرن را تداعی می‌کند». در واقع، می‌توان گفت در سند مذکور، هیچ اشاره‌ای به هویت مدرن و متجدد ایرانیان نشده است و فقط به عناصر هویت فرهنگی اسلامی و هویت فرهنگی ایرانی اشاره شده است که در واقع، این قضیه متأثر از گفتمان سیاسی اصول‌گرایی ارزش‌محور دولت احمدی‌نژاد بود.

نتیجه‌گیری

اساس شکل‌گیری جمهوری اسلامی، با جهت‌گیری هویت فرهنگی است؛ بنابراین، تکیه بر هویت فرهنگی، به دلایل کاملاً سیاسی برای جمهوری اسلامی ایران، ضروری و راهبردی است. بازیابی، حفظ و تقویت هویت فرهنگی، یکی از آرمان‌های اصلی انقلاب اسلامی بود که در جهت هویت‌خواهی مردم ایران و بازگشت به سوی هویت اصیل اسلامی-ایرانی صورت گرفت و در سند «مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان» بازتاب یافته است. نتایج تحقیق نشان از این دارد که اولاً، با تحلیل محتوای کمی سند (یعنی تکرار ۲۹ بار واژه اسلام یا اسلامی و تکرار ۵۲ بار واژه ایران یا ایرانی)، دریافتیم که هویت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان

شامل دو لایه هویت فرهنگی اسلامی و هویت فرهنگی ایرانی است. ثانیاً، با تحلیل محتوای کیفی سند دریافتیم که لایه هویت فرهنگی اسلامی موجود در سند، عناصری چون معنویت و توحید، اسلام و مذهب تشیع و معارف قرآنی، هم‌گرایی فرهنگی، دفع ظلم و ظلم‌ستیزی، ولایت‌مداری (قبول حاکمیت پاکان)، اخلاق و آداب و سنت‌های حسنه، علاقه و عمل به سیره پیامبر (ص) و خاندان وحی، عدالت‌طلبی بی‌پایان، مهدویت و انتظار و رسالت تاریخی ایرانیان را دربر دارد. ثالثاً، با تحلیل محتوای کیفی سند دریافتیم که لایه هویت فرهنگی ایرانی موجود در سند، عناصری چون میراث فرهنگی، هنری و آیین‌ها، معماری ایرانی، علم و عالمان و علم‌دوستی، تاریخ ایران، دفاع از سرزمین، حافظه و خاطره جمعی، تمدن ایرانی، زبان و خط پارسی، سرزمین ایران، اقوام و گروه‌های ایرانی با خرده فرهنگ‌های زیبا را شامل می‌شود. رابعاً، با بررسی سند، این نتیجه حاصل شد که هویت فرهنگی اسلامی موجود در سند، هم از نظر تعداد عناوین موجود در سند و هم به لحاظ محتوا و روح حاکم بر کل سند، از برجستگی نسبی بیشتری نسبت به هویت فرهنگی ایرانی برخوردار است و همچنین هیچ اشاره‌ای به لایه سوم هویت ملی ایرانیان یعنی هویت متجددانه در متن این سند نشده است.

منابع

الف - فارسی

- احمدی، حمید، (۱۳۹۰)، *بنیادهای هویت ملی ایرانی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- اسمیت، آنتونی. دی، (۱۳۸۳)، *ناسیونالیسم*، ترجمه منصور انصاری، تهران: تمدن ایرانی.
- آشنا، حسام‌الدین و روحانی، محمدرضا، (۱۳۸۹)، «هویت فرهنگی ایرانیان»، *تحقیقات فرهنگی*، سال سوم، شماره ۴.
- افرا، هادی و فیض‌آبادی، رضا، (۱۳۹۲)، «تبارشناسی مفهوم هویت در گفت‌وگوهای سیاسی ایران معاصر»، *علوم اجتماعی*، سال دهم، شماره ۱.
- امامی، سیدمجید، (۱۳۹۲)، «از جامعه‌شناسی تاریخی ایران تا نظریه سیاستی پیشرفت»، *مطالعات ملی*، سال چهاردهم، شماره ۴.
- اولناریوس، آدام، (۱۳۸۰)، *سفرنامه اولناریوس*، ترجمه احمد بهپور، تهران: ابتکار نو.
- بشیریه، حسین، (۱۳۸۶)، *آموزش دانش سیاسی*، تهران: نگاه معاصر.
- بلباسی، میثم و اسفندیار، شهرام، (۱۳۹۲)، «هویت مطلوب در بستر الگوی بومی پیشرفت»، *مطالعات ملی*، سال چهاردهم، شماره ۴.
- بی‌نام، (۱۳۸۹)، *منشور جمهوری اسلامی ایران*، تهران: پژوهشکده مطالعات کاربردی قدر.
- پولاک، یاکوب ادوارد، (۱۳۶۸)، *سفرنامه پولاک*، ترجمه جهاننداری، تهران: خوارزمی.
- تاورنیه، ژان باتیست، (۱۳۸۲)، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه شیرانی، تهران: نیلوفر.
- جوادی‌یگانه، محمدرضا و عزیزی، جلیل، (۱۳۸۷)، «هویت فرهنگی و اجتماعی در بین جوانان شهر شیراز»، *تحقیقات فرهنگی*، سال اول، شماره ۳.
- جوانی، یدالله، (۱۳۸۷)، «نقش معنویت در تولید قدرت ملی»، *مطالعات بسیج*، سال یازدهم، شماره ۳۹.
- حاجیانی، ابراهیم، (۱۳۸۸)، *جامعه‌شناسی هویت ایرانی*، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و همکاران، (۱۳۸۸)، «تبیین الگوی نظری طراحی سازوکار هم‌گرایی»، *مطالعات ملی*، سال دهم، شماره ۴.
- حسینی‌شحنه، سید علی اکبر، (۱۳۹۰)، «اهمیت راهبردها در پایداری هویت جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، سال هشتم، شماره ۲۶.

- حقی، محرم، (۱۳۸۶)، «هم‌گرایی کشورهای مسلمان در پرتو انقلاب اسلامی»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، سال سوم، شماره‌های ۹ و ۱۰.
- حیدری، محمد، (۱۳۸۳)، *هویت و امنیت ملی*، در *مبانی نظری هویت و بحران هویت*، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۵)، *حدیث ولایت*، تهران: مؤسسه فرهنگی انقلاب اسلامی.
- خمینی، روح‌الله، (۱۳۶۹)، *صحیفه نور*، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، (۱۳۸۶)، «گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور در سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد»، *دانش سیاسی*، سال سوم، شماره ۱.
- رجایی، فرهنگ، (۱۳۸۶)، *مشکله هویت ایرانیان امروز*، تهران: نی.
- رضایی، سیدمحمد و جوکار، محمدصادق، (۱۳۸۸)، «بازشناسی هویت ملی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات ملی*، سال دهم، شماره ۴.
- روحانی، حسن، (۱۳۹۰)، «چشم‌انداز هویت ملی و دینی ایرانی»، در *آینده‌شناسی هویت-های جمعی در ایران*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- سلیمانی، فاطمه، (۱۳۹۰)، «تأثیر فرهنگ سیاسی ایرانیان بر فرهنگ راهبردی»، *نامه دفاع*، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- سلیمی‌بنی، صادق، (۱۳۹۲)، «وضعیت‌سنجی فرهنگی نظام جمهوری اسلامی در آغاز دهه چهارم انقلاب»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، سال دهم، شماره ۳۵.
- *سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان*، (۱۳۸۶)، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- طاهری، ابوالقاسم، (۱۳۹۰)، *روش تحقیق در علوم سیاسی*، تهران: قومس.
- عبایی‌کوپایی، محمود، (۱۳۹۰)، «تحلیل هویت فرهنگی ایران معاصر»، *رویدادها و تحلیل‌ها*، مرداد ۱۳۹۰، شماره ۲۵۸.
- عزیزی، محمد، (۱۳۹۱)، «تحلیل مشارکت اقشار مختلف در دفاع مقدس»، *پژوهشنامه دفاع مقدس*، سال اول، شماره ۲.
- عیوضی، محمدرحیم، (۱۳۸۷)، «تحلیلی بر سیاست خارجی آقای دکتر محمود احمدی-نژاد»، *راهبرد یاس*، سال ششم، شماره ۱۴.
- فولر، گراهام، (۱۳۷۷)، *قبله عالم: ژئوپلیتیک ایران*، ترجمه عباس مخبر، تهران: مرکز.
- قربی، سیدمحمدجواد و حیدری، منصور، (۱۳۹۵)، «مؤلفه‌های قدرت نرم ایران در سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان (مطالعه ارزش‌های فرهنگی)»، *مطالعات قدرت نرم*، سال ششم، شماره ۱۵.

- قطبی، علی اکبر، (۱۳۸۷)، «معماری امروز ایران و مسئله هویت»، *آینه خیال*، مهر و آبان، شماره ۱۰.
- قهرمان پور، رحمن، (۱۳۸۸)، «مقایسه رویکردهای برنامه چهارم و پنجم توسعه و سند چشم‌انداز بیست‌ساله به منطقه گرایی»، *راهبرد دفاعی*، سال هفتم، شماره ۲۴.
- کامنوا، مارینا، (۱۳۸۱)، «زبان فارسی، عامل هم‌گرایی فرهنگی»، *نامه پارسی*، شماره ۲۵، تابستان.
- کاویانی‌راد، مراد و فتاحی، مصطفی، (۱۳۹۱)، «تأثیر هویت مکانی بر همگرایی ملی»، *مدرسه علوم انسانی*، سال شانزدهم، شماره ۱.
- کرویس، دیرک وان، (۱۳۸۰)، *شاردن و ایران*، ترجمه حمزه اخوان تقوی، تهران: فرزانه.
- کریمی، علی، (۱۳۹۰)، «مطالعه تطبیقی سوبیه‌های شرق‌شناسانه ایران‌شناسی غربی از موریه تا فولر»، *مطالعات ملی*، سال دوازدهم، شماره ۳.
- کریمی، علی، (۱۳۹۲)، «حافظه جمعی و فرآیند هویت‌یابی»، *مطالعات ملی*، سال چهاردهم، شماره ۲.
- کریمی، علی و بلباسی، میثم، (۱۳۹۳)، «بررسی برجستگی عناصر هویت ملی ایرانی در سند چشم‌انداز بیست‌ساله»، *رهیافت انقلاب اسلامی*، سال هشتم، شماره ۲۷.
- کریمی، علی و مؤذن، محمدهادی، (۱۳۹۰)، «تنوع فرهنگی و تداوم همزیستی آنها در ایران»، *مطالعات ملی*، سال دوازدهم، شماره ۱.
- کریمیان، زهرا و احمدوند، علی محمد، (۱۳۹۱)، «جامعه اطلاعاتی، هویت فرهنگی و رسالت دانشگاه‌ها»، *تحقیقات فرهنگی*، سال پنجم، شماره ۳.
- کمپفر، انگلبرت، (۱۳۶۰)، *سفرنامه کمپفر*، ترجمه کیکاووس جهاناداری، تهران: خوارزمی.
- گروته، هوگو، (۱۳۶۹)، *سفرنامه گروته*، ترجمه مجید جلیلود، تهران: مرکز.
- گوینو، کنت دو، (بی‌تا)، *سه سال در ایران*، ترجمه ذبیح‌الله منصوری، تهران: فرخی.
- گودرزی، حسین، (۱۳۸۵)، *مفاهیم بنیادین در مطالعات قومی*، تهران: تمدن ایرانی.
- _____، (۱۳۸۷)، *تکوین جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران*، تهران: تمدن ایرانی.
- متقی‌زاده، احمد، (۱۳۹۰)، «مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران»، *مطالعات قدرت نرم*، سال اول، پیش‌شماره ۲.
- محسنی پور هونجانی، زهره و فیاض‌انوش، ابوالحسن، (۱۳۹۲)، «دستاورد حافظان فرهنگ

- و تمدن ایرانی - اسلامی»، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال چهارم، شماره ۱۲.
- محمدی، روح‌الله، (۱۳۸۹)، ظلم و آثار اجتماعی آن در قرآن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ایلام: دانشکده الهیات دانشگاه ایلام.
 - مطهری، مرتضی، (۱۳۵۷)، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران: صدرا.
 - معینی‌علمداری، جهانگیر، (۱۳۸۱)، «تجلی وجدان تاریخی در بوم»، مطالعات ملی، سال چهارم، شماره ۱۴.
 - منصور، جهانگیر، (۱۳۸۵)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دوران.
 - مهدوی‌نژاد، محمدجواد و هاشمی، سارا، (۱۳۹۲)، «نقش کیفیت طراحی و اجرا در تحقق مفهوم هویت در معماری معاصر ایران»، اندیشه معماری، سال اول، شماره ۱.
 - میرمحمدی، داوود، (۱۳۸۳)، هویت ملی در ایران، تهران: تمدن ایرانی.
 - نجفی، موسی، (۱۳۸۹)، هویت ملی ایرانیان و انقلاب اسلامی، تهران: زمان نو.
 - وامبری، آرمین، (۱۳۸۱)، زندگی و سفرهای وامبری، ترجمه آریا، تهران: علمی.

ب - انگلیسی

- Castells, M, (1997), "The Power of Identity, The Economy", *Society and Culture*, Oxford: Blachwell.
- Erikson, F.E, (1963), "Conceptions of School Culture: an Overview", *Educational Administration Quarterly*, Vol. 23, No.4.
- Hall, S, (1992), "The Question of Cultural Identity", in S. Hall, D. Held and T, McGrew (eds), *Modernity and its Futures*, Cambridge: Polity Press and Blackwell in Association with the Open University.
- Hall, S, (1996), "Introduction: Who Needs Identity", in S. Hall and P. du Gay (eds), *Questions of Cultural Identity*, London: Sage.
- Hall, S, (1998), 'New cultures for old', in D. B. Massey and P. M. Jess (eds), *A Place in the World*, Oxford: Oxford University Press and Open University.
- Hutchinson, J, (1992), "Moral Innovators and the Politics of Regeneration: The Distinctive Role of Cultural Nationalists in Nation-building", *International Journal of Comparative Sociology*, Vol. 33, No.1-2.
- Hutchinson, J, (2001), "Nations and culture", in M. Guibernau and J. Hutchinson (eds), *Understanding Nationalism*, Cambridge: Polity.

- Admiral, J.R., Lipiansky, E.M, (1989), *La communication interculturelle*, Paris: A.Colin.
- Poole, Ross, (1999), *Nation and Identity*, London and NewYork: Routledge.
- Smith, A.D, (1991), *National Identity*, London: Penguin books.
- _____, (1998), *Nationalism and Modernism*, London: Routledge.
- _____, (1999), *Myths and Memories of the Nations*, Oxford: Oxford University Press.
- Woodward, Kath, (1997), *Identity and Difference*, London: Sage and Open University Press.
- Woodward, kat, (2000), *Questioning Identity: Gender, Class, Nation*, London: Routledge.